



هفته نامه طنز مردم مشهد
شیمه روزنامه شهرآرا
شماره یازدهم تاریخ: ۱۳ مهر ۱۳۹۷
palakhmoon.tanz

مهدی
استاد احمد



تخم مرغ و مرغ ارزان می شود
گوچه و پوشک فراوان می شود
منتها فی الحال از جیب شما
بودجه کسریش جبران می شود

نویخت گفت: قدرت خرید مردم در
بودجه ۹۷ جبران می شود



جیک و پوک

ما که فعلا
می خریم!

تا گران تر می شود هر چیز، فورا می خریم
پوشک و ارز و طلا و رب و روغن می خریم

ما به عکس مردم فنلاند و ژاپن یا کویت
هرچه می گردد گران در خاک میهن، می خریم

ما به قدر مصرف ۱۰ سال، حتی بیشتر
دستمال کاغذی، کنسرو و بنشن می خریم

از برنج و گندم و جو می کنیم اول شروع
چون به سر آمد غلات خوب، ارزن می خریم

قدری از آن را برای مصرف روزانه و
باقی اش را بابت انبار کردن می خریم

وقت ثبت نام ایران خودرو و سایپا که شد
یک پراید مفت را هم قیمت ون می خریم

سایزماں گویی که خواهد ماند ثابت سال ها
پیش پیش این قدر که شلوار و دامن می خریم

با خرید یک دوتا انگشتر ششم و عقیق
ما چنان شادیم انگاری که معدن می خریم!

خوب می دانیم ما این کارها بیهوده است
تا بگوئیم آب را گویی که هاون می خریم

آب را کوئیده، در توجیه طرز مصرفش
چندتایی پارچ یا قوری و کلمن می خریم

چون برای خرج کردن ما به دنیا آمدیم
در تمام عمر تا هنگام مردن می خریم

«عرضه دارد با تقاضا ربط» این را خوانده ایم
چون «شنیدن کی بود مانند دیدن» می خریم

عده ای بدبخت هی بدبخت تر خواهند شد
بی خیال وضع آن ها، ما که فعلا می خریم!



ارمغان
زغان قشیمی



علیرضا
پاکدل

کارتون

در حاشیه صف زایمان در تاریخ لاکچری ۹۷/۷/۷



چیزهای هسته‌ای در گرما به عمومی

- جهان به بخش خصوصی واگذار شده؟!
- من تو مسائل مالی دخالت نمی کنم. دونالد خودش می دونه. چطور؟!
- از وقتی دونالد شده رئیس جمهور، دیگه همه فکر پول درآوردن! حتی سازمان ملل بین سخنرانی ها آگهی داره که خرجش دربیار. فیلترشکن هم تبلیغات داره.
- خب اینا به من چه؟!
- خودت از همه ربر تاژ آگهی می ری که! همین قالی شویی تورقوزآباد همیشه چهارتا کاغذ صورتی چاپ می کرد می انداخت تو خونه مردم. تبلیغ شهری و استانی و ملی که اصلا نداشت. باز دمت گرم، تبلیغ کردی، توی این کسادى بازار تا شب عید چهارتا فرش بگیره. امسال فکر کنم از ایالات متحده هم قالی بفرستن تورقوزآباد براشون بشورن!
- خودت رو نتر کن. اونجا دارن بمب هسته‌ای می سازن!
- یعنی همون لابه‌لای شستن فرش؟! ای نامردها. می گم فرش های ما رو خوب نمی شورن! سرشون گرم بمب ساخته. زندگی خرج داره بنیامین. طرف می خواسته بعد از قالی شویی بره مسافركشی، دیده بازار جهان به بمب بیشتر نیاز داره، بمب می سازه... ولی فکر نکنم. می دونی توی شهر ما چندتا قالی شویی داریم؟ اگه ۲۴ ساعت هم قرار باشه جهان بمباران بشه، این قدر بمب لازم نیست. حالا یا اینا رو جو گرفته، وجدان کاری شون بالاست که هی بمب بسازن، یا اینکه رد دادی!
- ما گزارش داریم که کسی رفته قالی اش رو بگیره، موقع تحویل گرفتن، خواسته عکس سلفی بگیره، نداشتن. گفتن اینجا نمی شه عکس بگیرى. تو می دونی کجا نمی شه عکس گرفت؟
- الان همه جا می شه. از بالای سر بیمار رو به موت بدتر هم داری؟ اونجا هم می شه.
- جلو مراکز نظامی هم نمی شه. پس معلومه هر قالی شویی یک مرکز نظامیه!
- پس حموم عمومی محله ما هم مرکز نظامیه. عکس که نمی تونی بگیرى هیچ، چشمت رو هم هی باید درویش کنی. یعنی دوتا تصویر هم نمی تونی به حافظهات بسپاری!
- دمت گرم. به عکس ازش بگیر، بفرست به من. واسه سال دیگه نشون بدم. دیدم پکی گفت باید لنگ به خودتون ببندین! پس یگو!
- اگه این جوړه که ما از قدیم داشتیم بمب هسته‌ای می ساختیم، اونم دسته جمعی!



محمدعلی
موشی

- می تونی عکس بگیرى؟!
- هر وقت هم خواستم از آشپزخونه عکس بگیرم، مامانم الم شنگه کرد! چندتا آشپزخونه هم توی شهر داریم که غذاهاشون تعریف نداره. ولی احتمالا باید خوب بمب بسازن!
- از کجا می دونی؟!
- دل نمی دن غذای خوب بیزن. باید سرگرم ساختن چیزمیز هسته‌ای باشن. ولی آشپزخونه «حاج عزت و پسران» کارش خوبه. غذات رو از اینجا بگیر، عکست رو از اونای دیگه!
- رو چه حساب این اطلاعات مهم رو به من دادی؟!
- این اطلاعات که واسه تو این قدر مهمه، هر روز ۱۰ تاش رو روی کاغذای زرد و صورتی می اندازن توی خونه، ما پرت می کنیم بیرون.
- با این حال فکر نکنی باهات مصاحبه کردم به رسمیت شناختمت ها. دیدم دوس داری، خواستم دستت خالی نباشه.



حکایت عاشقی ترامپ



دونالد ترامپ این هفته با اظهاراتش، از دیپلماسی جدید لاوترکان خود رونمایی کرد. او که پیش از این با خطاب کردن دکتر روحانی با عبارت «Lovely Man» سعی داشت بر رئیس جمهور ما تأثیر بگذارد و تیرش به سنگ خورد، این بار علاقه خود را به کیم جونگ اون ابراز کرد. ترامپ در اظهار نظری گفت: «کیم نامه های زیبایی برای من می نویسد، ما عاشق هم شده ایم». وی سپس با گفتن: «به ویژه آن تیر آخر که شبیه بمب اتم است و توی قلب فرو رفته است و عبارت نمک در نمکدان شوری ندارد، دل من طاقست دوری ندارد که کیم آخر نامه می گذارد مرا بسیار تحت تأثیر قرار می دهد» دود توی اتاقتش و در اینستایش نوشت: «تنهایی یعنی شیا هندزفری تو گوشات باشه و بالشتت خیس باشه».



مگر این دربی ال کلاسیکون بود؟

محمدجواد آذری جهرمی که مدتی است کلا خیلی دیده و شنیده می شود با حضورش در دربی سرخابی ها بار دیگر حاشیه ساز شد. ایشان که در تمام مدت در ورزشگاه کنار باز پرس محترم صادرکننده دستور فیلتر تلگرام نشسته بود، پس از خروج از ورزشگاه اعلام کرد تمام مدت این را نمی دانسته و بعد از خروج متوجه شده است. وی در ادامه با گفتن «مگر دربی استقلال پرسپولیس بود؟ من فکر کردم دارم ال کلاسیکو رو نگاه می کنم، گفتم چقدر بازی سرده!» موضوع را بیش از پیش سعی کرد طبیعی جلوه دهد. کاربران فضای مجازی هم بر همین اساس به او تذکر دادند با آن کسی که در طول بازی توی بغلش نشسته بود، غریبی نکند و به او اطلاع دادند آن شخص فرزند دلبنش بوده است.